



۵۱

# سوسیالیسم امروز

۲ جون ۲۰۱۸ - ۱۲ خرداد ۱۳۹۷

www.simroz.org

S\_zijji@yahoo.se

سرود: سلام زیجی

**گفتگودر مورد خروج امریکا  
از برجام و پیامدهای آن**  
(متن پیاده شده گفتگوی تصویری با چند نفر از  
اعضای رهبری حزب سوسیالیست انقلابی ایران)

صفحه ۴

**چند خبر و گزارش کارگری  
در هفته ای که گذشت**

صفحه ۷

**یاوگویی یک جنایتکار  
ومریض جمهوری اسلامی!**

صفحه ۱۰

**روز جمعه ۱۱ خرداد ۱۳۹۷  
خاکسپاری ، بدرقه وگرامیداشت  
رفیق کی یان (کیهان) فرزاد عزیز**

صفحه ۱۰

**دو تصویر و یک پیام!**

**دولت و فیلترینگ**

صفحه ۹

## جنایت عظیم

**۳۰ خرداد سال ۶۰  
فراموش شدنی نیست!**

سلام زیجی

خامنه‌ی، سر کرده جلادان و آدمکشان، این جانشین خمینی فاشیست و قاتل، اخیراً در کنار خزعبلاتی دربیست و هشتمین سالگرد مرگ خمینی، یکبار دیگر به دروغ پردازای حول وقایع تاریخی و جنایتهای جمهوری اسلامی در دهه شصت پرداختند. فاجعه تاریخی ۳۰ خرداد سال شصت، که به سی و ششمین سالگرد آن نزدیک میشویم، سرآغاز این دهه‌ی مملو از کشتار و جنون و آدمکشی حکومت اسلامی بود و خامنه‌ای قاتل در دفاع از آن جنایتها برآمده است.

این نماینده خدا ظاهراً در عکس العمل به "افشاگریهای" اخیر "کاندیداتورهای ریاست جمهوری" علیه هم در جریان نمایش انتخاباتی اخیرشان، که در آن رئیسی را به دست داشتن در کشتارهای آندوره منتسب می کردند، به دفاع از "دهه شصت" وحشتناک نظامش برخاستند.

در حالی که خود روحانی و کابینه اش درست مانند خامنه‌ای و رئیسی و رفسنجانی ها، همه محصول آن دوره هرگز فراموش نشده کشتارها و گوردسته جمعیها ایجاد کردن و شروع سرکوبگری خشن و خونریزیها علیه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه انقلاب کننده هستند. امثال پور محمدی به مراتب جنایتکارتر از رئیسی چهار سال است در دولت "اعتدال واصلاحات"

← صفحه ۲

**کارگران جهان متحد شوید!**



### جنایت عظیم ۳۰ خرداد...

جناب روحانی و امثال رفسنجانی ها و خاتمی ها و “خانواده امام” تشریف دارند. این کثافت بیمار در ۷ شهریور سال گذشته گفته بود: “افتخار می کنیم که حکم خدا و رسول را اجرا کردیم!” خامنه ای در این سخنرانی کشتار شبیه نازیسم امام و و نظامش را چنین توضیح و توصیف می کند: “مراقب باشیم تا در دهه‌ی شصت، جای شهید و جلالد عوض نشود، زیرا ملت ایران در دهه‌ی شصت مظلوم واقع شد و به دلیل اینکه تروریست‌ها و منافقین و پشتیبانان آن‌ها به امام و ملت ایران ظلم و خبثت کردند، ملت در موضع دفاع قرار گرفت و در نهایت هم پیروز شد.” بدین ترتیب از منظر این آخوند و بقیه جنایتکاران اسلامی ده‌ها هزار قربانی و اعدامی‌ها و گورهای دسته جمعی و خاورانها “جلالد” بودند و قمه زن و تروریست و قاتلین و آدمکشان چون لاجوردی‌ها و خلخالی‌ها و دیگر مزدوران و آدمکشان اسلامی آندوره “شهید” اند!

روشن است که ما از عامرین و عاملین جنایتکارمستقیم کشتار، اعدام، سرکوب و از امثال بن لادن‌ها، صدام‌ها، ابوبکر البغدادی‌ها، خمینی‌ها، بوش‌ها، بلرها و اکنون خامنه‌ای و رئیسی و روحانی‌ها و غیره هرگز حقیقت را نخواهیم شنید. اما این وظیفه وجدان بیدار، شاهدان عینی و تاریخ نگاران با شرف و خود نفروخته و نیروها و انسانهای مسئول است که پرده از روی چهره کریه تاریخ نویسان دروغگو و قاتل و جاهل برداشته و قلب حقیقت و حقایق تاریخی مربوط به چنین جنایتهای عظیم ضد انسانی را در دسترس و در مقابل جامعه جهانی قرار دهند و اجازه داده نشود به فراموشی سپرده شود. اینها، تک تک شان، دیر یا زود، مجازات و نظامشان سرنگون خواهند شد و باید محاکمه و به شدیدترین شکل ممکن مجازات شوند! حتی مردگان جنایتکار چون خمینی و رفسنجانی و لاجوردی و منتظری و خلخالی و بقیه که حساب پس نداده اند ضروری است در دادگاههای علنی به جنایتشان رسیدگی و در تاریخ ننگین آنها ثبت گردد.

اکنون به سالگرد یک فاجعه بزرگ تاریخی و هولناکی که به ۳۰ خرداد سال ۶۰ معروف شده است نزدیک می شویم. در پاسخ به هذیان گوئی امثال خامنه‌ای ضروری است یکبار دیگر به آن تاریخ برگردیم و به گوشه‌های از حقایق مربوط به آن روند اشاره ی کوتاه داشته باشیم. رویدادی که نه تنها دهه سیاه شصت، که سرنوشت ویران شده یک جامعه بزرگ، شکست انقلاب ۵۷، و تولد و استقرار یک هیولائی وحشی به اسم جمهوری اسلامی را رقم زد.

نسلی که در آن زمان هنوز متولد نشده بودند باید بدانند جنایت و سرکوبگری و قوانین قرون وسطی که امروز جاری است، ادامه و محصول یک روند تاریخی و فجایع و تراژدی مهمی در ایران است، رژیم که جامعه ایران را به سیاهی، فقر، زندان و استبداد و به افسارگسیختگی قوانین و فرهنگ و خزعبلات اسلامی تبدیل کرده است، همان رژیم قرون وسطی و زالو سفت که بر پیکر شریفترین انسانهای جامعه، یعنی کارگران احکام ضد انسانی شلاق و تازیانه بر پشت آنها فرود آوردند، همان نظام حیوان سفت و قرون وسطی که جوان دختر و پسر را به جرم شادی و جشن و رقص، در ملا عام ضربات شلاق را بر بدنشان فرود می آوردند و تحقیرشان میکنند، رژیم که فعالین کارگری و زنان را در زندان مورد شکنجه و تحقیر و هتک حرمت قرار میدهد، نظامی که دهها میلیون کارگر و خانواده کارگری و انسان زحمتکش را به زندگی بردگی و زیر خط فقر محکوم نموده اند، رژیم که از خامنه‌ای تا تک تک سرانشان دهها و صدها میلیارد دلار “اختلاس” کرده و ثروت آن مملکت را قاپیده اند، رژیم که در ابعاد میلیونی بیکاری، فقر، اعتیاد، تن فروشی، کارتن خوابی، گورخوابی و کودکان کار و خیابانی به جامعه تحمیل کرده است، رژیم که هر روز چندین نفر را اعدام میکند، رژیم که با شادی و رقص و تمدن در سنیز است، با تحمیل فشار و استیصال هر روزه ۴ تا ۵ نفر را مجبور به خودکشی میکند، و میشود به دهها مورد دیگر اشاره کرد، بلکه چنین رژیم فاسد و قاتل و جانی نه تنها محصول انقلاب سال ۵۷ نیست بلکه محصول به خون کشاندن همان انقلاب و کشتار ده‌ها هزار انسان در چند شبانه روز در بیرون و درون زندانها و به ویژه در روز ۳۰ خرداد سال ۶۰ است. با کشتار هزاران نفره در این تاریخ دهه شصت را نیز به دهه مملو از جنگ و جنایت و ترور و کشتار مخالفین تبدیل کردند که بر این اساس و بر بستر ناتوانی و ضعف انقلابیون و جنبش ما در سنگر بندی و مقابله با این روند وحشیانه، چنین نظام وحشی بر کل جامعه تحمیل و تا امروز به بقای ظالمانه و جنایتکارانه خود ادامه داده است.

همه جناحهای دیروز و امروز رژیم، در تاریخ و جنایت ۳۸ ساله سهیم بوده و دست داشته اند. اتفاقا فرمان اصلی ماشین کشتار آن تاریخ وحشتناک در دست اصلاح طلبان و معتدلین و سبزها و خط امامی‌های با و بدون ریشم و پشم قرار داشت، که اکنون در قدرت هستند و بخشا در خارج کشور تکنوکرات شده، لباس “حقوق بشر” پوشیده و خواهان اصلاحات و “خسونت گریز” شده اند! واضح است که ابعاد کارکرد ماشین جنایت جمهوری اسلامی و مسئولیت و شرکت سران همه جناحهای آن در قبال فجایعی نظیر ۳۰ خرداد و شهریور ۶۷ و کلا جنایت که بی وقفه در این سی و هشت سال ادامه داشته است تنها با بیان حقایق تاریخی این فجایع روشن نمیشود. ابعاد واقعی این جنایات عظیم تنها با نابودی این حکومت جنایتکار برای جهانیان روشن تر خواهد شد همانگونه که بعداز شکست آلمان نازی و مرگ هیتلر کلیه ابعاد آدمکشی‌های آن دوره بر ملا گردید.

سرکوب انقلاب ۱۳۵۷ در ایران توسط ضد انقلاب اسلامی به قدرت رسیده، یک جنایت عظیم و یکی از فجایع و تراژدیهای مهم قرن بیستم بود. شبیه سرکوب و کشتارهای آلمان نازی.

← ادامه

**آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

## جنایت عظیم ۳۰ خرداد ...

سی ام خرداد سال ۶۰ نقطه اوج این جنایت و شروع سرکوب خونین و سیستماتیک روند آزادیخواهانه انقلاب ۵۷ و تلاش برای خفه کردن آن بود. بعد از جنایت ۳۰ خرداد، یعنی نزدیک به ۲ سال و نیم که از شروع انقلاب ۵۷ میگذشت، ارتجاع اسلامی حاشیه جامعه با اتکا به اینکه غرب خمینی را به عنوان "رهبر" در بوق و کرنا کرده، توانست خود را با زور گلوله و سرنیزه و اتکا به همان ارتش و نیروی باقی مانده از نظام استبدادی شاهنشاهی، اتکا به یک قشر از مردم مرتجع و همچنین همراهی کردن خمینی مرتجع از جانب چند گروه و سازمان عقب افتاده و مرتجع چون جبهه ملی، مجاهدین، نهضت آزادی، حزب توده و اکثریت، این اعزامی های امریکا و دولتهای غرب و آماده شده درنشت "گودالوپ"، توانستند خود را به جامعه و انقلابیون مترقی و سکولار و چپ و کارگران انقلاب کننده تحمیل کنند.

واقعیت این است که علت به قدرت رسیدن جریان کپک زده اسلامی، مذهبی بودن جامعه نبود و مذهب آن درجه از نفوذ و قدرت را در حیطه تعیین تکلیف سیاست در ایران نداشت. نه تنها جریان اسلامی یک نیروی قدرتمند نبود و خمینی رهبر هیچ انقلاب و تحولی نبود، بلکه تنها با حمایت و همکاری بی دریغ دول غربی و مرتجعین داخلی و انجام کوهی از جنایت و کشتار بیسابقه بود که توانستند انقلاب را شکست دهند و خمینی را "رهبر" و حزب جمهوری اسلامی را "صاحب انقلاب" کنند بدین ترتیب حمایت غرب از ارتجاع اسلامی و خمینی در مقابل چپ جامعه در حال انقلاب، و متعاقب آن سرکوب وحشیانه و سیستماتیک جبهه انقلاب توسط این ارتجاع به قدرت خزیده، شکست انقلاب ۵۷ و پیروزی ضدانقلاب اسلامی را توضیح میدهد.

و بالاخره اینکه انقلابی که در آن خواست و پرچم چپ جامعه، آزادیخواهی انقلابی و آرمان برابری و عدالت و رفاه دست بالا داشت، چرا و چگونه مقهور و مغلوب این ضدانقلاب بورژواامپریالیستی شد، ضمن عوامل جنایتکارانه فوق میتوان به ناآمدگی فکری و سیاسی و سازمانی صف پیشروان طبقه کارگر در پیشاپیش اردوی انقلاب و نیروهای دفاع از آزادی و انقلاب، دست نبردن سازمانیافته و توده ای به اسلحه در مقابل بورژوا وحشیانه اسلامیون، و همچنین وجود توهم گسترده در چپ و غالب بودن پوپولیسم عریان و "خلق"گرائی و "ملی" گرائی مضحک در صفوف چپ و دنباله روی از خمینی و شعارهای پوچ او، همراه شدن با یکی از جناح بندیهای رژیم، چیزی که امروز هم دامن بخش عمده چپ ایران را گرفته است، و سرانجام پیوستن و حمایت بخشی از جریانات شرکت کننده در "انقلاب ۵۷" به جریان اسلامی و رفتن زیر عباي خمینی و شرکاتشان در کشتار انقلابیون میتوان شکست انقلاب و قدرت گیری خمینی و همراهان جلادش را توضیح داد.

اکنون بیش از سه دهه از جنایت ۳۰ خرداد و دیگر جنایتهای دهه شصت از جمله کشتارهای شهریور ۶۷ میگذرد. نزدیک به چهار دهه جنایت و کشتار و به تباهی کشاندن زندگی کارگر و زن و جوان آن مملکت ریشه در تاریخ آن رویدادها و مسیر جنون آمیز و خونینی دارد که جمهوری اسلامی بر بستر آن به قدرت رسید. اکنون اکثریت مردم، نسلهای بعد از آن انقلاب، فاجعه عظیم ۳۰ خرداد را ندیده اند یا یادشان نیست. به نسل امروز در ایران و جهان باید آن جنایات و تاریخ را یاد آور شد. چنانچه عمیقا از کم و کاستیهای آن زمان درس گرفته نشود و اقدامات و آمادگیهای سیاسی و عملی دیگری تدارک دیده نشود، ارتجاع جهانی و ایرانی میتوانند تحولات امروز ایران را دوباره و در اشکال دیگری از جمله در قالب تقویت عرق ملی گرای و نژاد پرستی یا از کانال کشاندن جنگ خونین مذهبی و قومی به ایران به دوره به مراتب بدتر و مخاطره آمیزتری سوق دهند.

چنانچه تجربه شکست انقلاب ۵۷ توسط کمونیستها و رهبران طبقه کارگر به درستی درک و فهم نشود، روند سرنگونی جمهوری اسلامی و تحولات پیش رو میتواند باز به شکست و ناکامی منجر گردد. یاد آوری ۳۰ خرداد بخشی از روند آگاهگری و درک و فهم تجربه شکست انقلاب ۵۷ است. دوباره باید تاکید کرد که منادیان دو خرداد و فعالین ارتجاع سبز، و سازندگان اصلی دولت "اعتدال" جزئی از صف یاران و همقطاران خمینی جلاد بودند و مستقیما در فاجعه نسل کشی ۳۰ خرداد ۶۰ و کل دهه شصت دست داشته اند و لازم است به عنوان جزئی از عاملان و قاتلین آن رده بندی شوند. از ۳۰ خرداد و شهریور ۶۷ تا کهریزک و کشتار کارگران و شلاق زدن کارگر و جوانان، از به فقر و نابودی کشاندن طبقه کارگر، تا اسید پاشی ها و "گشت های نامحسوس"، از سازماندهی شبکه های ترور و قمه کشی و اعدامهای بی دریغ، تا جنگ افروزی در کشور های منطقه و هزینه کردن ثروت جامعه در جنگهای تروریستی و کشتار مردم بی دفاع، از تداوم آبار تاید جنسی و فشار و سرکوب مداوم زنان و به قهقرا بردن امید و خواست و آرزوی نسل جوان همه و همه زنجیره جنایتهای غیر قابل چشم پوشی و بخش تفکیک ناپذیری از تاریخ نفرت انگیزی است که بر پیشانی این حکومت بورژوا اسلامی حک شده است.

این رژیم را باید سرنگون کرد و سرانش را در ملاء عام محاکمه نمود. به این روند جنایتکارانه باید نقطه پایانی گذاشت! برای این هدف مهم و تحقق کم مشقت آن امروز تنها شکلی از سرنگونی و انقلاب کردن می تواند به یک ایران آزاد و خوشبخت منجر گردد، که ماهیت و مطالبات روند سرنگونی و انقلاب و خیزشهای توده ای و کارگری ضروری است از لحظه تولد و در قدم اول، متکی باشد به پرچم و سیاست و سازمان و حزب و رهبری سوسیالیستی و کمونیستی خود. متکی باشد به بسیج نیروی جنبش طبقاتی خود. متکی باشد به ابزارهای سرنگونی طلبانه و مبارزاتی سیاسی و سازمانی و مسلحانه جنبش آزادیخواهی و برابری طلبانه و کارگری خود. کسی که سیاست موج سواری و یا همه با هم بودن را در پیش میگیرد همان دوره ۵۷ را دارد تکرار میکند که عمیقا فریبنده و ضد کمونیستی است. جریانی که بر طبل ارتجاع مذهبی و قومی می کوبد چیز بهتری از ویرانیهای امروز سوریه و عراق برای ایران به ارمان نخواهد آورد!

روند آزادیخواهانه و سرنگونی طلبانه از جانب جنبش توده ای و کارگری باید بتواند چنان سیاست روشن و قدرت اجتماعی و سازمانی داشته باشد که استقرار یک نظام سوسیالیستی بر ویرانه های جمهوری اسلامی برای جامعه را ممکن و تضمین کند. این یعنی درس گرفتن از سال

۱۵۷

(در این شماره نشریه سوسیالیسم امروز، به مناسبت سالگرد جنایت جمهوری اسلامی در سال ۶۰، و به منظور درس گرفتن از آن تاریخ از جانب علاقمندان به راه آزادی و برابری و سوسیالیسم، این مقاله مجدداً بازتکثیر میشود)

جنایت عظیم ۳۰ خرداد سال ۶۰ فراموش شدنی نیست!  
جنایتکاران تاریخ را نه می بخشیم! نه فراموش می کنیم!  
نابود باد جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

**نه به تحریم اقتصادی، نه به امریکا، نه به جمهوری اسلامی، نه به قدری نظامی!**

## گفتگودر مورد خروج آمریکا از برجام و پیامدهای آن

(متن پیاده شده گفتگوی تصویری با چند نفر از اعضای رهبری حزب سوسیالیست انقلابی ایران)

سیاست روشن و مستقل داشته ایم که به هیچ یک از آن اتفاقات استور نبوده و نیست! ما به عنوان طبقه ی کارگر ایران و مردم آزادی خواه ایران امر مهم سرنگونی جمهوری اسلامی را به شکل انقلابی و توصل به قیام و انقلاب و قهر آزادیخواهان که یک وجه مهم آن نیز اتفاقاً علیه کلیه این سناریوهای دست راستی و صادراتی از جانب آمریکا و دولتهای اروپائی نیز است، اعتقاد داریم. چرا که نمیخواهیم دوباره به چاله دیگری به افتیم، اتفاقی که بعداز انقلاب ۵۷ اتفاق افتاد. درست است که تحولات سیاسی جهان، منطقه و ایران بر روی طبقه ی کارگر تأثیر دارد اما بر خلاف توهمی که درست شده است که هر حرفی که ترامپ میزند باید کل سیاست ایران را عوض کرد! مطلقاً چنین نیست. ما لازم دانستیم که به طبقه ی کارگر و جنبشمان بگوییم رفقا! درست است که آمریکا از برجام خارج شده است، اما يك دنیا ضرر در پشت آن است و در این اتفاق هیچ روزنه مثبتی برای جنبشی که امید و آرمانش را به دست دولتهای غربی و دیوانه هایی ای مانند ترامپ نسپرده باشد، دیده نمیشود.

بر عکس هر شکلی از اقدامات و سیاست آمریکا یا به نفع مستقیم جمهوری اسلامی است یا به نفع خود و سناریوهای ضد کارگری و ضد آزادیخواهان آنها در ایران و منطقه. به تحرک در آمدن جنب و جوش نیروهای دست راستی در پی این واقعه یکی یکی از عوارض منفی و اولیه آن است. دوم، بهانه به دست جمهوری اسلامی داده اند که دوباره فقر و بدبختی و گرسنگی را بر سر مردمی بکوبد، که حتی بدون حضور آمریکا و برجام و... پایه و اساس این رژیم با فقر و بدبختی گرسنه کردن کارگران و زحمتکشان بنیاد نهاده شده است اما اکنون این مسئله نیز به نعمتی برای رژیم تبدیل شده است که انگشت اتهام را به سوی آمریکا دراز کند. همه ی تقصیر ها را به گردن آمریکا یا به قول خودشان "شیطان بزرگ" بیاندازند و بگویند اگر آمریکا نباشد، نان و دستمزد شما را خواهیم داد و به شیوه ای خود را از زیر بار مسئولیت بیرون بکشند. احتمالاتی به وجود آورده اند که آمریکا فشاری بر ایران وارد کند، اما واقعیت امر این است که این احتمالات و "فشارها" به زیان مبارزه آزادیخواهانه تمام میگردد و روند مبارزه ی انقلابی و متکی به خود را کند تر کرده و میکند.

در باره ی تحریم اقتصادی نیز در بیاننامه ی حزب هم به صورت روشنی عرض کرده ایم که ما مخالف آن هستیم و تحریم يك جامعه ی ۸۰ میلیونی بسیار ارتجاعی و ضد انسانی است. و اینکه با تحریم اقتصادی "روند سرنگونی جمهوری اسلامی سریع تر میشود" درست نیست و کاملاً برعکس است. همانطور که در بیاننامه ی حزب آمده است تحریم اقتصادی ایران مشکلات ما را بیشتر میکند و دست جمهوری اسلامی را بیشتر باز میگذارد. از سوی دیگر اشتباه است موقعیت جمهوری اسلامی را با گذشته یا قبل و اوایل "برجام" مقایسه کنیم.

ناصر زیجی: حزب سوسیالیست انقلابی ایران اخیراً بیاننامه ای در رابطه با خروج آمریکا از برجام و پیامدهای آن منتشر کرده است، ابتدا از رفیق سلام زیجی شروع میکنم، لطفاً محتوا و هدف کلی بیاننامه حزب را توضیح دهید.

سلام زیجی: همانطور که همه شاهد هستند خروج آمریکا از برجام تحرکاتی را در ایران و منطقه به وجود آورده است، و حزب وظیفه خود میداند که جواب روشنی به این اتفاق و تحولات بدهد، و با تمام ظرفیتی که داراست مانع روند منفی که به دنبال این اتفاق و تحول صورت گرفته و میگردد بشود. دو سه سال پیش وقتی که توافق "برجام" میان آمریکا و ایران و دیگر دولتهای دیگر صورت گرفت ارزیابی بسیاری از جریانها، از راست و چپ و... اینگونه بود که این توافق جمهوری اسلامی را تضعیف کرده است، و با این ارزیابی سطحی خود توهمات نادرستی را بین جامعه به وجود آوردند، که جمهوری اسلامی از بین میرود و مردم به زودی منتظر این اتفاق باشند. یکی از پایه های اختلاف سیاسی ما با سیاست و رهبری جدید حاکم بر "حزب حکمتیست" در کنگره ششم آن حزب، همین سیاست راستروانه در قبال آن اتفاق بود. و الان برعکس با خروج آمریکا، که یکی از اصلیتترین بخش این توافق بود، همان جریانها در قالب دیگری توهم دیگری برای مردم ساخته اند که واقعی نیست. جریان های بسیاری را دیدیم مانند سلطنت طلب ها و مجاهدین و قوم پرستان و فدرالیست چی ها که برای آمریکا به و چه چه میکردند و در انتظار بمب های آمریکائی نشستند تا آنها را به ایران برگرداند و، تخت، تاج و لچکشان و قومشان را به قدرت برسانند! بخشی دیگر از ناسیونالیسم و قوم پرست ها نیز تجربه ی ایران، عراق، سوریه و مناطق ویران شده را دارند و فکر میکنند با خروج ترامپ از برجام جمهوری اسلامی تضعیف، و راه برای آنها باز میشود و به ایران برمبگردند و اوضاع ایران هم مانند عراق و سوریه خواهد شد و بالاخره آنها هم به نان و نوایی میرسند.

متأسفانه بخشی از چپ هم این موضع را داشتند و از ترامپ به دلیل خروج از برجام از آنجا که فکر میکردند به زیان "مردم" است، عصبانی اند!، و بعض هایشان حتی گفته اند این اقدام به "زیان جمهوری اسلامی است"، یعنی به "نفع مردم" و "انقلاب"، است در نتیجه شادمانند! در حالی که ما درست بر عکس هر دو رویکرد فکر میکنیم. چرا که تنها و تنها به نیروی مستقیم انقلابی و آزادیخواهانه و بدور از هر نوع امید بستن به نقش دولتهای غربی یا جناحهای درونی رژیم میتوانیم به نتیجه مورد نظر اکثریت جامعه برسیم.

در بیاننامه ی حزب باز هم ذکر کرده ایم که با خروج آمریکا از برجام یا ماندن آمریکا در برجام هیچ سیاست و وظیفه ای از جانب ما تغییر پیدا نکرده و نباید بکند. ما از اول يك هدف و

## گفتگودر مورد خروج امریکا از...

ابراهیم باتمانی: به این دلیل که غیر انسانی است! محاصره ی اقتصادی یعنی نان مردم را بریدن، مشکلات برای مردم تراشیدن، یعنی فقر و فلاکت آوردن و به نفع من کارگر نیست. مگر امریکا در عراق این جنایت را انجام نداد؟ دوره ای که دوباره با همین بهانه "هسته ای" کشور عراق تحت حاکمیت صدام را محاصره ی اقتصادی کردند. صدها هزار سالمند و کودک و انسان محروم در حالی که حقشان نبود فقط به خاطر دارو و درمان جان خود را از دست دادند. در ضمن ارتش صدام حسین نه تنها چیزی کم نداشت از لحاظ خوراک و پوشاک و پول بلکه حقوقشان را هم بالا بردند. صدام حسین و ارتش او اصلا کمبودی را احساس نمیکردند چون همه چیز زیر دست خودشان بود. به نظر من این محاصره ی اقتصادی دودش فقط به چشم مردم خواهد رفت. به همین دلیل است که میگوییم ضرر محاصره ی اقتصادی تنها برای کارگران و زحمتکشان جامعه است. آیا آنها راه دیگری ندارند، خیر دارند؛ البته جمهوری اسلامی را خودشان سر کار آورده اند مگر با همکاری فرانسه او را با هواپیما به ایران فرستادند و با همکاری آمریکا و اروپا او را سر حکومت نیاوردند و مردم را بدبخت نکردند؟ فقط ۲۰۰ هزار نفر را اعدام کردند به چه جرمی فقط به جرم آزادیخواه بودن و حق خود را خواستند. اینها اگر دروغ نمیگویند چرا همین سران رژیم را دادگاهی نمیکنند و آنها را بازداشت نمیکنند به جرم جنایت علیه بشریت؟ چرا سفارتخانه آنها را نمیبندند؟ ایران در اکثر کشور های جهان سفارتخانه دارد چرا آن ها را نمیبندند؟ چرا پولهایشان در بانک هارا اعلام نمیکنند؟ چرا ایران را از سازمان مللشان بیرون نمیکنند؟ به چه علت در سازمان "حقوق بشر" که ایران هم عضو آن است آنها را اخراج نمیکنند؟! اینها نشان میدهد امریکا و ترامپ و دولتهای غربی به هیچ عنوان به خاطر منفع مردم نیست دست به این اقدامات میزنند، فقط میخواهند سهم بیشتری از ثروت باد آورده ایران را بگیرند و جمهوری اسلامی هم کمی رامتر گردد، همین!

به نظر من برجام فقط فشاری برای جمهوری اسلامی است که آن ها تمکین کنند و بگویند به طور مثال تو هم مانند ترکیه باش با ما بساز! پولی که به روسیه پرداخت میکنی به ما هم پرداخت کن. مسئله سر منفعت مردم نیست. سر حقوق، ناعدالتی، جنایت جمهوری اسلامی، زندان و این همه معتاد نیست. این ها فقط تبلیغاتی است برای رسیدن به اهداف ملی خودشان. به همین دلیل ما در این بیاننامه خیلی روشن، طبقاتی و کمونیستی برخلاف بقیه جریانات اعلام کردیم که با تحریم اقتصادی مخالفیم. در نظر بگیریم که از نو مشکل "برجام" برای امریکا هم حل شد و پولها مانند دوره قبل دوباره به ایران بازگشت، این پول کجا میرود؟ مگر زندگی من نوعی تغییر کرد؟ مگر حقوق ها بالا رفت؟ مگر اعدام ها کم شد؟ مگر زندان ها کم شد؟ طبق آمار خودشان سالانه ۴۳۰ هزار تا ۴۵۰ هزار انسان را زندانی میکنند و پرونده برایشان درست میکنند.

به نظر ما هر نوع محاصره ی اقتصادی در هر جامعه ای عین جنایت است. ما آن را محکوم میکنیم و راه های آن معلوم است، مردم باید این را بدانند آمریکا برای منافع خودش می آید، اروپا

جمهوری اسلامی اکنون در بستر و بطن یکی از قطب بندیها جهانی درگیر در رقابتهای ویرانگریها در منطقه قرار دارد. در نتیجه به راحتی با چند فشار امریکا مجبور به عقب نشینی نخواهد شد. امروز بخشی از استراتژی و سیاست منطقه ای و همچنین توافق و خروج از برجام به منفعت اقتصادی کلان چند قطب جهانی سرمایه داری دیگر نیز گره خورده است، طوری که نمیتوان به آسانی با چند هیاهوی دروغین "هسته ای" از جانب دیگر قدرتهای نینفع این منفعتها و نیروی کار بسیار ارزان دها میلیونی کارگر ایرانی را نادیده بگیرند، تنها به این خاطر که گویا ترامپ و دولت چپاولگر امریکا در این معامله زیاد تو جیبشان نمیروند. به هر حال ایران دمش به روسیه و سپس به چین وصل است و بر عکس تصوراتی که در بین بخشی از مردم و جریانات وجود دارد فشارهای اقتصادی که قبلا به ایران وارد میشد در حال حاضر اینگونه نیست، و امروز، البته مانند همیشه، تمام فشار بر روی مردمان کارگر و زحمتکش خواهد بود. باید علیه محاصره و یا تحریم اقتصادی هر جامعه و کشوری را، با هر هدفی که صورت بگیرد، به عنوان یک اقدام جنایتکارانه ایستاد!

این وضعیت به ما یک درس و تجربه ای میدهد که جنبش آزادیخواهی و طبقه ی کارگر برای رسیدن به اهداف دیرینه خود تنها به متشکل شدن، به سیاست رادیکال و کارگری، دست بردن به ابزارهای انقلابی و کسب قدرت، و انتخاب حزب سیاسی و انقلابی درست میتواند متکی باشد! که ما فکر میکنیم یکی از آن احزاب مسئول و دلسوز و درست حزب سوسیالیست انقلابی ایران است. باید این مسیر و این حزب را انتخاب نمود تا دوباره ارتجاع سرمایه داری در داخل و خارج سر جنبش برای آزادی و برابری و سوسیالیسم را به سنگ نکوبند!

امید واهی به آمریکا و روسیه، و جریانات های مسلح و غیر مسلح دست راستی، و جناح های داخل جمهوری اسلامی و... نباید داشت! این ها همه مانع و منفی هستند. ما فقط باید به جمعیت ۹۰-۸۰ درصدی که از جمهوری اسلامی متنفرند، ازادخواهند و آرزوی جامعه ی سوسیالیستی و سکولار و پایان دادن به تاریخ ننگین شاهنشاهی و جمهوری اسلامی را را دارند متکی باشیم. در این دوره ما باید یک بار دیگر جامعه ی ایران را فراخوان بدهیم که راه پیروزی در دست خود شماس، پیروزی و شکست در دست شماس. بستگی به آلترناتیو و احزابی است که انتخاب میکنید، بستگی به آرمان و مطالبه و سیاستی است که همین امروز انتخاب میکنید و تا آخر به آن متکی و متعهد باقی میمانید، بستگی به این دارد که به چه میزان از شخصیتها و حزب های شکست خورده و نوکر صفت و حلقه بگوش دولتها و همچنین کشمکش درونی خود رژیم و نقس به شدت مودیانه و ضد انقلابی دولت امریکا و دیگر همپالگی هایش درس گرفته باشیم.

ناصر زیجی: رفیق ابراهیم باتمانی همانطور که ما در بیاننامه شاهد هستیم شما مخالف تحریم های اقتصادی هستید و آن را رد میکنید به چه دلیل؟

برقرار باد جمهوری سوسیالیستی!

## گفتگو در مورد خروج امریکا از...



و نیروهای "اپوزسیون" که خوشحالی میکنند از اینکه ایران تحریم اقتصادی شده است، و از این کانال راه به قدرت رسیدن خود را جستجو میکنند، مدعی اند جمهوری اسلامی از سر کار می‌رود و گویا ارگانه‌های دولتی آن را تحریم اقتصادی کرده اند و غیره این يك دروغ است. تحریم اقتصادی ضررات و پیامدهای منفی آن فقط برای مردم است، و نه تنها جمهوری اسلامی، حتی يك فرد جنایتکار سپاه هم کوچکترین آسیب متحمل نمیشوند، پولدارتر هم میشوند!

**ناصر زیجی: رفیق عزیز آجیلکند بعضی از جریان‌ها بعد از خروج امریکا از برجام به طور مستقیم و غیر مستقیم احتمال جنگ بین ایران و امریکا را داده بودند آیا به نظر شما چنین مخاطره ای وجود دارد؟**

**عزیز آجیلکند:** من قبل از اینکه جوابی داده باشم به سؤال شما باید اینو عرض کنم که برجام مضحکه ای بیش نیست. جنازه ای روی دستشان مانده که فقط برای سرگرم کردن مردم از آن استفاده میکنند. یعنی به عنوان يك شعار یا يك ابزار از آن استفاده میشود. با برجام و بی برجام جمهوری اسلامی باید برود! این يك شعار و حرکتی است که ن تنها به آن اعتقاد داریم که تمام توده ی مردم زحمتکش را ببریم به این جهت که ما میخواهیم جمهوری اسلامی برود. آنرا سرنگون می کنیم با اراده و سیاست و آرمان متکی به خودمان.

به نظر من امید بستن به سیاست امریکا در قبال اینکه حمله ی نظامی انجام دهد و جمهوری اسلامی را سرنگون کند اشتباه محض است. تمام احزابی که به امریکا در این مورد پشت بستند هم سر خودشان کلاه میگذارند. ما این تجربه را داریم که دولت امریکا در هیچ شرایطی نمیتواند با خودش دمکراسی بیاورد. وقتی که از حمله ی نظامی صحبت میکنیم بدون استثنا اوضاع و احوال امروز افغانستان برای من تداعی میشود. عراق و سوریه برای ما تداعی میشود. در طول سالیان درازی که امریکا دست درازی کرده است در این منطقه با خود خون، جنگ، محرومیت و يك سری مسائل دیگر که روز به روز زندگی مردم را با مشقت و بحران های جدی روبه رو میکند. در نتیجه امید ببنیم به اینکه امریکا میتواند از طریق حمله نظامی جمهوری اسلامی را سرنگون بکند به نظر من اشتباه محض است. سرنگونی جمهوری اسلامی تنها از طریق انقلاب رادیکال توده ای، انقلاب کارگری و اعتصابات کارگری امکان پذیر است و باید در این جهت هم حرکت کرد.

آنهايي که شعار میدهند، مانند سلطنت طلب ها، مجاهدین و احزاب ناسیونالیزم در منطقه برای پیروزی دونالد ترامپ لهله میکشند، برای او تبلیغ میکنند، و شعار میدهند، و از سیاست های او دفاع میکنند، به نظر من آنها خودشان کسانی هستند که تفرکات امریکا را در منطقه پایه ریزی میکنند، تعقیب میکنند و طبق خواست آن ها عمل میکنند اینا نمیتوانند نه به مردم و نه به تغییرات عمده در ایران کمک کنند. غیر از اینکه به سیاست های خودشان در قبال به دست

ادامه در صفحه ۸ ←

برای منافع خودش می آید، و روسیه نیز برای منافع خودش می آید. ربطی به مردم کارگر و زحمتکش ندارند. مردم آزادیخوا خودشان، مخصوص طبقه کارگر، زنان، جوانان باهم متحد بشوند، تصمیم بگیرند و خودشان جمهوری اسلامی را از بین ببرند. سال ۵۷ همین کار را کردیم اما همین عالیجنابانی که امروز هستند آن را خراب کردند. یا همانطوری که رفیق سلام زیجی به درستی اشاره کردند. گویا برخی از احزاب و جریان‌ها میگویند که گویا فقط نیرو های نظامی و ارگانه های دولتی را تحریم و بلوکه کرده اند این دروغ است.

**سلام زیجی:** بیخشید نکته ای را در این باره تاکید کنم: ایران تقریباً به همان اندازه ای که در ایران سرمایه گذاری کرده است در عراق نیز پول دارد، در روسیه و اروپا و سوریه و... نیز پول مردم ایران را برده در انجاها سرمایه گذاری شده است، هیچکدام از این منابع و ثروتهای باد آورده آن ها بلوکه نیست. اما وقتی که راه مواد غذایی و پوشاک و نفت و مایحتاج زندگی شهروندان را میبندید این دیگر "ارگان های دولتی" و "سپاه پاسداران" نیست! و ربطی به آن ها نیز ندارد، بر عکس با این اقدام آنها را دارند تقویت میکنید.

اگر واقعا دروغ نمیگویند، که میگویند، اولین آسیبی که به جمهوری اسلامی میرساند این است که خودشان (امریکا و روسیه و همپالگهیهای که دست دارند در جنگ و جنایت و ویران کردن شهر و زندگی مردم عادی و سرگرم چپاول نفت و گاز و ثروت آن جوامع هستند و همزمان بازار اسلحه فروشی خود را گسترش داده اند و انواع جریانات وحوش اسلامی و نژاد پرست را به جان مردم انداخته اند) گورشان را از این منطقه گم کنند، اون ظرفیت و امکانات هایی که به جمهوری اسلامی تحویل داده اند دیگر تحویل ندهند. مبارزه ی آزادیخواهی طبقه ی ما کارگران و زحمتکشان که هر روز شاهد آن هستیم، به جای این که فقط خیر ناقص آن را منتشر کنند، تقویت کنند، حداقل در رسانه هایشان اعضا و فعالین راستین این جنبشها را تحریم و سانسور نکنند. امکانات و نیرو های چپ و انقلابی را تقویت کنند که "نمیکند"...، میخواهم بگویم این تحریم، تحریم دولت نیست! تحریم نظامی هم نیست! ممکن است دو عنصر آنها در لیست تحریم شدگان وجود داشته باشد، اما اساس تحریم تحریم و تضعیف تمز در روی زندگی مستقیم شهروندان بی دفاع!

مگر دوره پیش جمهوری اسلامی ایران ۱۰ سال تحریم اقتصادی شد، سرنگون شد؟ بر عکس، راه برای بقای خودش پیدا کرد و اتفاقاً از جنایت تحریم اقتصادی برای تداوم جنایت خود علیه کارگران و مردم آزادیخوا بهره گرفت. ۱۰ سال تجربه ی زیادی است برا فهمیدن عوارض منفی تحریمهای اقتصادی. همانطور که رفیق ابراهیم گفتند در عراق واقعیت این است که نیم میلیون نفر به خاطر محاصره ی اقتصادی جانشان را از دست دادند، در حالی که بیشترشان کودک بودند. مسئله ی ایران هم چنین است. میخواستم این را اضافه کنم که آن توجیهاتی که بعضی از احزاب

**نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!**

## چند خبر و گزارش کارگری در هفته ای که گذشت

تهیه و تنظیم: عزیز آجیکند



معیشتی حداقلی و زیر خط فقر دارند. در برخی از شهرها نیز بخش هایی از رانندگان تاکسی در اعتراض به درآمد زیر خط فقر اعتصاب کرده اند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، اعتراض و اعتصاب را حق کارگران می داند و هرگونه تعرض نسبت به کامیون داران اعتصاب کننده را محکوم می کند. سندیکا همچنین خواهان رسیدگی فوری به خواسته های کامیون داران و تاکسی داران می باشد. و از فدراسیون کارگران حمل و نقل جهان (ITF) درخواست دارد از اعتصاب کامیون داران و تاکسی داران که عموماً برای افزایش سطح معیشت صورت گرفته حمایت نماید.

اعلام همبستگی نفتگران ایران با اعتصاب سراسری کامیونداران کشور

ما جمعی از پرسنل صنایع نفت و گاز و پتروشیمی در کشور همبستگی و حمایت خودمان را از اعتصاب سراسری کامیونداران و رانندگان سنگین کشور اعلام می کنیم. ما به مقاومت و اتحاد شایسته تحسین این عزیزان درود می فرستیم. در شرایطی که حکومت جمهوری اسلامی تلاش می کند با دامن زدن به اختلافات و ایجاد تشکلهای قلابی فرمایشی صنفی مانع هر گونه اتحاد و تشکل مستقل بین کارگران و زحمتکشان شود، شکل دادن این اعتصاب سراسری و استمرار مقاومت بر سر گرفتن حقوق برای ما بسیار تقدیر برانگیز است.

ما حمایت خود را از خواسته های برحق اعتصابگران شامل افزایش هفتاد درصد کرایه، پرداخت کرایه قبل از تخلیه بار، افزایش حقوق بازنشستگان رانندگان، برداشتن عوارض از ماشینهای سنگین، کاهش قیمت لوازم یدکی، کاهش حق بیمه و سایر خواسته های این صنف را اعلام می کنیم.

عدمی از همکاران ما که رانندگان نفتکش و حمل و نقل تولیدات صنایع نفت و گاز هستند در این اعتصاب هم اکنون شرکت داشته و در تمامی مشکلات با سایر رانندگان سهیم هستند. به ویژه رانندگانی که در استخدام شرکت های پیمانکاری صنعت نفت و گاز و پتروشیمی هستند دارای مشکلات مضاعفی بوده فاقد کوچکترین امنیت شغلی هستند.

ما نفتگران سراسر ایران، حمایت خودمان را تا به نتیجه نهایی رسیدن خواسته های اعتصابگران اعلام کرده و از احقاق حقوق این عزیزان تا به آخر دفاع می کنیم.

جمعی از پرسنل صنایع نفت و گاز پتروشیمی در ایران

اعتصاب کارگران راه آهن

روز پنجشنبه ۱۰ خرداد ماه، اعتصاب کارگران راه آهن در شهرهای مختلف همچنان ادامه داشت.

در جریان این اعتصاب گسترده، کارگران راه آهن لرستان در ادامه اعتصاب خود دفتر اداره کل راه آهن ناحیه را بستند و به پرسنل اداری اجازه کار ندادند. همچنین اعتصاب کارگران راه آهن زاگرس، مشهد،

← ادامه در صفحه ۹

هفته ای را که پشت سر گذاشتیم همچون هفته های قبل توأم بود با اعتراضات و اعتصابات کارگری و شهروندان معترض در گوشه و کنار ایران. در این قسمت سعی بر آن داریم که نگاهی بیاندازیم به چند گزارش و اخبار کارگری که در روزهای گذشته در جریان بوده اند.

### ادامه اعتصاب رانندگان کامیون و حمایت از آنها

ما جمعی از زندانیان سیاسی زندان مرکزی ارومیه؛ حمایت و پشتیبانی خود را از شما کامیونداران ارجمند و زحمتکش کشورمان اعلام می کنیم. جاده های کشور را در دست بگیرید؛ در خیابانها و جاده ها دست در دست هم با صفوف فشرده بمانید و دست از مقاومت برندارید. اینچنین است که دیکتاتور به زانو درمی آید. هیچ نیرویی قوی تر از نیروی ملتی که اراده کرده است؛ سرنوشت خود را در دست بگیرد؛ نیست. مطمئناً پیروزی با شماست.

### جمعی از زندانیان سیاسی زندان مرکزی ارومیه ۶ خرداد ۹۷

همچنین جمعی از کسبه و بازاریان تهران روز پنجشنبه ۱۰ خرداد ۹۷ طی بیانیه ای حمایت خود را از اعتصاب رانندگان کامیون اعلام کردند. در قسمتی از این بیانیه آمده است:

### با درود به اعتصاب کنندگان بازاری و کامیونداران

ما جمعی از کسبه و بازاریان تهران از این اعتصاب همگانی حمایت و اعلام همبستگی می کنیم. متأسفانه به دلیل مشکلات اقتصادی و عدم کفایت مسئولان رژیم منفور روز به روز شاهد مشکل اقتصادی و فلج شدن اقتصاد کشور هستیم که اینها همه از پیامد وجود رژیم بی کفایت است که بی شک روز سرنوشتی نزدیک است.

اقتصاد کشور از بین رفته تمام ذخایر آبی نفتی گازی کشور به دلیل عدم کفایت رژیم نابود شده. رژیم سر در گم در مشکلات اقتصادیست تمام ذخایر و پول های کشور یا اختلاس و یا خرج در کشورها و گروه های تروریستی که رژیم جمهوری اسلامی از آنها حمایت می کند شده است.

امروز کامیونداران و بازاریان با وجود مشکل های اقتصادی فراوان و سختی هایی که در این راه است مخصوصاً در این ایام که قیمت اجناس سر به فلک کشیده و درآمد با هزینه ها فاصله ای هزار چندان دارد همچنان دست از اعتصاب نکشیده و با عزمی راسخ بر راه خود استوارند.

ما جمعی از کسبه و بازاریان تهران هم صدا و همپیمان با کامیونداران و بازاریان اعتصاب کننده همراه هستیم تا رژیم جمهوری اسلامی را به زانو در آوریم.

### حمایت سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران از اعتصاب کامیون داران

ده روز است که کامیون داران در شهرهای مختلف کشور اعتصاب کرده اند. و در مواردی پلیس نسبت به اعتصاب کنندگان تعرض کرده است. افزایش نرخ کرایه، کاهش حق بیمه رانندگان، کاهش نرخ لوازم یدکی و افزایش حقوق بازنشستگی عمده خواسته های آنان بوده و متأسفانه این زحمت کشان نیز مانند کارگران سایر بخش ها در کشور،

## گفتگودر مورد خروج امریکا از...

مهم ترین کار این است که اولاً چه نوع سرنگونی می خواهیم دوما بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی چه کار میکنیم و چه نظام طبقاتی سر کار می آوریم، اگر امروز به آن فکر نشود ابزارها و ملزوماتش فراهم نگردد فردا بسیار دیر خواهد بود همانگونه بعداز بهمن ۵۷ دیر شد! بدون چنین افق و سیاستی فقط کارگر و زن و جوان و صف آزادیخواهی است بازنده خواهد شد و به نیروی یک بورژوا و جانی دیگر تبدیلش میکنند.

ما فریب شیادان سیاسی، از ترامپ گرفته تا ناسیونالیستها مذهبیون و شوونیست های ایرانی را نخواهیم خورد، ما هیچ سیاست "همه با همی" با آنها نداریم! جنبش ما روی پای خودش و با صف مستقل طبقاتی و سوسیالیستی خودش به سوی سرنگونی کلیت نظام بورژوا اسلامی در ایران گام بر می دارد! هر نیرو و فردی در این مسیر با ما همراه است دست همکاری بسوی پیش دراز میکنیم!

فراخوانمان این است که مارا انتخاب کنید. با انتخاب حزب سوسیالیست انقلابی و انتخاب پرچم سوسیالیستی سنگر محکمی برای پیروزی ما علیه جمهوری اسلامی ایجاد کرده ایم. انوقت دیگر بعد از جمهوری اسلامی، در کشور ایران چشم انداز سناریوی سیاه نیست، ولی بدون ما، بدون افق و صف آگاه آزادیخواهانه، و بدون وجود امثال حزب سوسیالیست انقلابی سرنوشت جامعه به دست همان گرگ های خواهد افتاد که بدان اشاره گردید. آنها ایران را تبدیل میکنند به سوریه و معلوم نیست تا ۳۰/۴۰ سال دیگر سرنوشت ایران و جامعه ایران و رفاه، امنیت، کودک، زن و کارگر چه میشود؟.

همه ی مخاطبین ما لازم است بدانند که راه سختی پیشروی ما قرار دارد. جمهوری وحشی اسلامی را باید سرنگون کرد. و باید آماده باشیم که بعد از جمهوری اسلامی ایران را تبدیل کنیم به یک ایران آزاد و برابر و سوسیالیستی.

شخصاً بارها گفته ام که تاریخ ایران در ۱۵۰ سال گذشته ۲ بار تجربه ی این را دارد که همه ی آن ها منفی است تجربه ی سیستم سلطنتی و پادشاهی و آریایی است که الان پهلوی مانده است و آن را از لس آنجلس نمایندگی میکند که ۵۰/۶۰ سال حکومت کردند. مردم را رعیت تلقی میکردند و جامعه را به شاه و رعیت تبدیل میکنند. و بعد از اینکه انقلاب ۵۷ صورت گرفت و اشتباهات زیادی که صورت گرفت و بلاخره خمینی جلاد و اوباش چاقو کش او سر کار آمدند، و ۴۰ سال است که میکشند و نفت و ثروت مملکت را برده اند، و الان دیگر نوبت طبقه و جنبش ما است هر دوی آنها را دفن کند و جامعه ایران را به یک جامعه آزاد، مرفه و مدرن و بدون زندان و اعدام و سرکوب مدبل سازد. باید از دست تاریخ وحشتناک این دو نظام سرمایه داری که یکی اسلامی و دیگری فاشیسم شوونیسم فارس است رهائی پیدا کنیم.

من مطمئنم با قدرت گرفتن ما و طبقه ی کارگر جامعه ایران برای همیشه از جنگ کشت و کشتار و بدبختی نجات پیدا میکند و به جامعه ای مدرن و آزاد تبدیل میشود. طوری که باید اروپا آرزو کند که به پای ما برسد که چنین جامعه ای را در قلب خاورمیانه ی ویران شده بنهاده ایم. از همه می خواهیم به عمق و مسئولیت پذیری حزب ما و بیانیه ای هم که این باره صادر کرده ایم بیش توجه داشته باشند، چرا که بدون این سیاستها و تلاش برای رسیدن به سوسیالیسم جامعه ایران هرگز روی آرامش و آزادی بخود نخواهد دید.

( این گفتگو روز ۲۲ مه ۲۰۱۸ صورت گرفته بود که رفیق تینا زحمت پیاده کردن آنرا کشیده اند. [https://www.facebook.com/elisar.jan?hc\\_ref=ARSbDIO1\\_N374eVHXbpqoQqMEcPHy72qUBF18ovJHLgl1SypY6t9a9hij98XgQBg-QU](https://www.facebook.com/elisar.jan?hc_ref=ARSbDIO1_N374eVHXbpqoQqMEcPHy72qUBF18ovJHLgl1SypY6t9a9hij98XgQBg-QU) )

گرفتن قدرت در منطقه و در ارگانیزم آینده ی ایران بتوانند کاره ای بشوند. بنابراین از امریکا و صدای امریکا پشتیبانی و حمایت میکنند. به نظر من سرنگونی جمهوری اسلامی تنها و تنها از طریق خود مردم امکان پذیر است. خودشان باید این فضا را حاکم کنند و جمهوری اسلامی را سرنگون کنند نه امریکا و هیچ ایر قدرت دیگری در جهان نمیتواند دموکراسی و آزادی را برای جامعه ی ایران به ارمغان بیاورد.

**ابراهیم باتمانی:** بعضی ها میگویند جمهوری اسلامی فقط باید برود آنقدر جنایت کرده اند و فقر و فلاکت بر مردم فشار تحمیل کرده اند برخی حاضرند فقط جمهوری اسلامی برود. به نظر من باید از احساسات بیرون بیایند و واقعیت را ببینند. مگر عراق عین ایران نبود؟ صدام رفت اما جنایتکاران دیگری جایگزین آن شدند. چقدر مردم بدبختی کشیدند و بمب روی سرشان منفجر کردند آخر شد مالکی و علاوی و مقتدی صدر آخوند مرتجع، از خمینی مرتجع تر. به همین خاطر باید مردم به این فکر کنند که برای رفتن جمهوری اسلامی خودمان باید کاری کنیم این کمترین عوارض و ضرر را دارد که مردم خوشان حول سیاست انقلابی و اهداف سوسیالیستی سازمان پیدا کنند و جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم. در این حالت جامعه و ... جای خود میماند آخوند ها و زورگویان را بیرون میاندازند.

**ناصر زیجی:** رفیق سلام زیجی حرف آخر شما در این رابطه با مردم ایران چیست؟

**سلام زیجی:** بحث اساسی من و رفقای دیگر این است که مردم ایران به ویژه طبقه ی کارگر را فراخوان میدهم که هوشیار تر عمل کنند. دوران بسیار حساسی را طی میکنیم. مبارزات بسیار وسیع و گسترده این روزها در ابعاد مختلف جامعه ایران جاری است باید مسیر انقلابی و آزادیخواهانه طی کند نه به دنبالچه جنایتکاران و سرمایه داران کشانده شود. دشمنان و گرگ های بسیار زیادی برای همین مبارزه ندان تیز کرده اند تا آن را به مسیر دیگری بکشانند. از بحث امریکا، تحریم، برجام جناح قوم پرست، شاه و مجاهد تا ناسیونالیستها و فدرالیست چی ها و پوپولیستها "خلق گراها" دنبال این هستند که از نیری مادی و اعتراضات واقعی و بر حق جامعه به نفع خودشان بهره ببرند.

دقیق همان سناریو سال ۵۷ اما در ابعاد پیچیده تری در حال جریان است. باید کاری کرد روند و محصل سال ۵۷ تکرار نشود. بحث ما این است که سال ۵۷ هم سن و سالهای من و رفیق ابراهیم شرکت کننده در انقلاب ایران بودیم به نظر ما اونوقت اشتباهات زیادی داشتیم، نوجوان بودیم اما احزابی هم که باشان کار کردیم مرتکب سیاستهای اشتباهات زیادی شدند. این پیامها و تذکرهای که امروز ما میدهم آنها نه آن وقت و نه حالا هم به جامعه نمی دهند، همان اسب را میرانند. آزمون میبایست میدانستیم مردمی که به حق اعتراض میکند، کارگری که اعتصاب میکند و شعار میدهد مرگ بر شاه کافی نیست؛ باید دید چرا میگوید مرگ بر شاه، بعد از شاه چه سیاستی را سرکار می آورند چه دولتی، چه طبقه ای قرار است حکومت را به دست بگیرد؟ به همین دلیل همانطور که رفقا گفتند قطعاً سرنگونی جمهوری اسلامی هدف اولیه ما است سرنگون خواهترین حزب ما هستیم، اما تفاوتی که ما با خیلی ها داریم فکر میکنیم سرنگونی فقط ۵۰ درصد کار است،



## چند خبر و گزارش کارگری ...

سبزووار و گلستان نیز در همین روز ادامه داشت. گفتی است اعتصاب سراسری کارگران راه آهن در اعتراض به تعویق مطالبات و حق بیمه و نبود امنیت شغلی از سه هفته پیش در نقاط مختلف کشور آغاز شده و در برخی شهرها بیش از دو هفته است که ادامه دارد.

## تجمع کارگران دو کارخانه فولاد قزوین و آرمان شفق

روز پنجشنبه ۱۰ خرداد ماه در جریان تعطیلی دو کارخانه "فولاد قزوین" و "آرمان شفق" و بیکاری دستکم ۳۰۰ کارگر این دو کارخانه، کارگران معترض مقابل ساختمانهای هر دو کارخانه تجمع کردند.

به گفته کارگران، مسئولیت اداره دو کارخانه فولاد قزوین و آرمان شفق از مرداد ماه سال گذشته توسط اداره تصفیه و امور ورشکستگی دادگستری شهرستان تاکستان به یک سرمایه‌گذار اجاره داده شده بود که صبح روز پنجشنبه، قبل از اتمام قرارداد؛ فعالیت این دو مجموعه به بهانه متعهد نبودن بخش خصوصی به تعهداتش متوقف شد. به گفته معترضان تعطیلی کارخانه‌ها در حالی است که هرکدام از آنها دارای ۷ ماه دستمزد معوقه می‌باشند.

## ادامه اعتراضات کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز

صدها نفر از کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران در اهواز برای چندمین روز متوالی با تجمع در مقابل ساختمان استانداری خوزستان، خواستار پرداخت مطالبات خود شدند.

کارگران گروه ملی تعیین تکلیف نشدن مالکیت این شرکت، پرداخت نامنظم حقوق و بیمه را مشکلات اصلی خود عنوان کرده و نسبت به عملی نشدن وعده‌های مسئولین معترض هستند. گروه ملی صنعتی فولاد ایران که در اهواز مستقر است با حدود سه هزار و ۵۰۰ شاغل در سال ۱۳۸۸ به بخش خصوصی واگذار شد. کارگران گروه ملی فولاد بارها تجمعات اعتراضی برگزار کرده‌اند.

## اعتصاب همزمان کارگران سه معدن در استان کرمان

حدود ۲ هزار نفر از کارگران سه معدن "همکار" و "حشونی" و "پایدانا" متعلق به شرکت ذغال‌سنگ، روز چهارشنبه نهم خردادماه به طور همزمان دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

این کارگران نسبت به پرداخت نشدن بخشی از معوقات مزدی شان، قراردادهای موقت و عدم امنیت شغلی و جانی معترض هستند. اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، برخورداری از مسکن کارگری، کاهش ساعات کار در مشاغل سخت از دیگر مطالبات کارگران بود.

## اعتصاب کارگران بخش‌های مختلف مجتمع نیشکر هفت تپه

کارگران تجهیزات و کشاورزی و مهندسی نیشکر هفت تپه از روز چهارشنبه نهم خردادماه دست از کار کشیدند.

این کارگران در اعتراض به عدم پرداخت حقوق‌های معوقه و شرایط کاری و قراردادهای بقیه مطالباتی که از سال گذشته مطرح کرده، ولی بهیچوجه رسیدگی نشده است، اعتصاب کرده‌اند. معترضان خواهان پرداخت تمام حقوق ماههای عقب افتاده و لغو خصوصی سازی این شرکت هستند.

## دو تصویر و یک پیام!

نوشتن آب در گرمای ۴۰ درجه گناه این نوجوان است...  
اسلام دین بخشش و مهربانی است...



**تصویرها  
از  
نابرابری  
و  
وحشیگری  
ی سرمایه  
داری  
و کثافت  
مذاهبشان  
سخن  
می گویند**

عروس و داماد سلطنتی برای ماه عسل به کجا می روند؟  
شاید ویلایی که شبی ۶ هزار دلار است



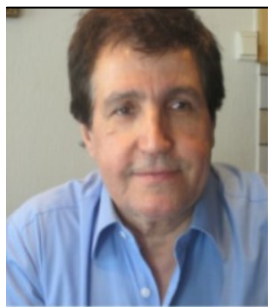
## دولت و فیلترینگ

صحرا صالحی: دولت همچنان در پی فیلتر تلگرام ملت همچنان در پی فیلتر شکن قوی ... اپ دیت ورژن جدید تلگرام که نسخه ی جدید غیر قابل فیلتر است ... غافل از وضعیت کنونی و گرونی و بازم عادت به گرانتتر شدن ... خوب سر مردم را با فیلتر مشغول کردند مگه که؟! این سیاست همیشگی این دولت بوده و هست ماه رمضان است انتظار دارند همه روزه بگیرند برای همدردی با فقرا در حالی که جیب همه مردم را خالی کردند در این ماه که مبارک میپندارند کسب و کار همه کساد شده همه منتظر گرانی بیشتر بعد از جشن ماه رمضان هستند و عده ی گرانی نان هم داده شد!!! وای به حال فقرا!!!! دیگر نان خالی هم نمیتوانند بخورند!!--

**زنده باد آزادی، برابری، سوسیالیسم!**

روز  
جمعه  
۱۱  
خرداد  
۱۳۹۷

خاکسپا  
ری ،  
بدرقه و  
گرامیدا  
شت  
رفیق  
کی یان  
(کیهان)  
فرزاد  
عزیز!



### یاوگویی یک جنایتکار و مریض جمهوری اسلامی!

ابراهیم باتمانی

روز چهارشنبه برابر با هفتم خرداد ماه سال ۱۳۶۷ یک آخوند جنایتکار به اسم حجت الاسلام هادی صادقی که در راس معاون فرهنگی قوه قضاییه قرار دارد، گفته است ما باید از نگاه قوانین اسلامی به مسئله زندانی کردن مخالفین رژیم عدل اسلامی برخورد کنیم!!، گفته مجازات بدنی همچون شلاق بسیار تاثیر گذارتر از حبس است، از قوانین تازه آنکه در اسلام داریم باید دفاع کنیم. صادقی جلاد و فاسد نوشته است که زندان بسیار اسیب زاست. و اصل مجازات زندان در اسلام وجود ندارد. و گفته مجازات زندان هم یک فرهنگ وارداتی است و از کشور فرانسه وارد کشور ما شده است و غیره...

اول باید به این آخوند فاسد و آدم کش گفت مگر حکومت جمهوری اسلامی و در راس آن خمینی جلاد از طرف کدام کشور "صادر" و وارد ایران کردند؟؟ مگر از همان کشور فرانسه و با حمایت دولت فرانسه و آمریکا و بقیه در آن زمان نبود؟ در ثانی جناب صادقی و سران بیمار و جانی و آدامکشان اسلامی مگر در طول این چهل سال شما کم تازه آنکه و شلاق در مله عام و در زندان های آن به اجرا گذاشته اید؟ که الان دارید افسوس میخورید و دفاع از تازه آنکه و شلاق زدن انسانها در قوانین و سنن کثیف اسلام تان میکنند؟.

اقای نا صادقی! سعید طوسی را میشناسید؟ که قاری قران و محبوب رهبر جنایتکارتان خامنه ای است. چرا این قاری قران با این همه تجاوز به بچه مردم و ده ها مدارک و شواهد با شلاق مجازات نمیکند؟، ویا اصلا چرا زندان و دادگاهی نمیکند، چون مانند موارد دیگر از تجاوز و دزدی و قتل و فساد جز همپالگی خودتان است. شما هزاران هزار انسان را در سیاه چالها با وحشیانه ترین شیوه های غیر انسانی گشته اید و دستجمعی خاکشان کردید و هنوز خانواده هایشان نمیداند قبر عزیزانشان کجاست. حکومت عدل الهی یتان صدها هزار اعدام مخالفین در پرونده دارد. مطمئن باشید که تک تکتان باید حساب این جنایتها را پس بدهید!

فراخوان من به تمام کارگران و ازادخواهان و کمونیستهای ان جامعه این است متحد شوند، دست در دست هم بگذارند، با اتحاد و قدرت و با اتکا به سیاست و اهداف روشن طبقاتی و دور از تفکر ناسیونالیستی و قوم پرستی و مذهبی، و با شعار ازادی، برابری، حکومت کارگری، وزنده باد سوسیالیسم، پا به میدان بگذارند و کار این رژیم جنایتکار را تمام کنیم، جامعه و آینده بهتری بسازیم.

دراین مبارزه برحق و جدی حزب سوسیالیست انقلابی ایران را در کنار خود ببینید. تقاضا دارم به حزب سوسیالیست انقلابی ایران بپیوندید و سیاستهای آنرا مبنای مبارزه متحدانه خود علیه جمهوری جنایتکار اسلامی قرار دهید.

### نشریه شنبه ها منتشر میشود

روزهای شنبه هر هفته نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه روزهای پنجشنبه هر هفته است.

### موازین انتشار مقالات در نشریه سوسیالیسم امروز:

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!  
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.  
- مسنولیت مقالات با نویسندگان آن است.  
- حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

[S\\_zijji@yahoo.se](mailto:S_zijji@yahoo.se)

### به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN  
SEB BANK  
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.

اخراج و بیکار سازی موقوف!